

تربیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های تربیتی – روان‌شناختی*

□ علی احمد پناهی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای تأثیرگذار در تحقق و ایجاد تربیت اجتماعی است. سؤال اساسی این است که بایسته‌ها و نبایسته‌های تربیتی، اجتماعی و روان‌شناختی در راستای نیل به تربیت اجتماعی افراد چیست؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است، به این منظور پس از شناسایی و استخراج مفاهیم و مستندات، از متون دینی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی، به تحلیل محتوای آنها پرداخته و راهبردهای آموزشی، تربیتی و روان‌شناختی مستفاد بیان گردید. نتایج نشان داد که شاخص‌ترین راهبردهای تربیتی، اجتماعی و روان‌شناختی که می‌تواند در تحقق تربیت اجتماعی تأثیرگذار باشد و مریان را در نیل به این هدف یاری رساند عبارتند از: آگاهی از محتوای تربیت اجتماعی، آگاهی از راه‌کارهای انتقال پیام، ایجاد انگیزه و رغبت در متری نسبت به تحقق جامعه‌پذیری، توجه جدی به تفاوت‌های فردی و جنسیتی در فرایند آموزش تربیت اجتماعی، بهره‌گیری صحیح از روش یادگیری مشاهده‌ای، بهره‌گیری گسترده از ارتباط کلامی و غیر کلامی، و ساده‌گویی و مدارا با متری.

پژوهش‌های اجتماعی اسلامی

واژگان کلیدی: تربیت اجتماعی، تفاوت‌های فردی، ظرفیت‌های روانی، روابط کلامی، یادگیری مشاهده‌ای و انگیزش

مقدمه

یکی از نیازهای ضروری برای انسان، زیست اجتماعی است (فست جیس^۱، ۲۰۰۶، ۳۲۴). ارتباط با دیگران، تعامل سازنده با آنان و صمیمیت با جوامع انسانی، در سلامت روان انسان نقش ممتازی دارد (فروم، ۱۳۶۰، ۳۷۱). بی‌شاپ^۲ و اندریتزن^۳ در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط اجتماعی صحیح، صمیمی و دوستانه با دیگران رابطه مثبتی با بسیاری از شاخص‌های سلامت روانی و «سازگاری اجتماعی» دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۴). به اعتقاد فردریکسون^۴، ارتباط صمیمی و تعامل با دیگران، برای هر دو طرف آثار مثبتی دارد. ارتباط صمیمانه باعث تعامل بیشتر دو طرف، همچنین احساس راحتی و آزادی در بیان هیجان‌ها و حمایت عاطفی و اعتماد کردن به یکدیگر است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۷۴). براساس جهان‌بینی اسلامی هر فرد جامعه در رابطه با هم‌نوعان خود مسؤول است و وظایفی به عهده دارد. قرآن کریم به این امر سترگ توجه کرده و می‌فرماید: باید از شما مسلمانان برخی، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده، از بدکاری نهی کنند و آنانند رستگاران^۵ (آل عمران/۱۰۴). غفلت از امور مسلمانان، بی‌توجهی به آسیب‌های جامعه و ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث می‌شود آدمی در خودسازی و تربیت خویش نیز موفق نشود (مائده/۶۳؛ اعراف/۸۶ و هود/۱۱۶). برخورداری از تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیر بودن، از ضرورت‌ها و ارکان تعامل اجتماعی سازنده و صحیح است. زیرا اگر فردی به قواعد و اصول تعامل اجتماعی آگاهی نداشته باشد و هنجارهای اجتماعی را نیاموخته باشد، از گردونه ارتباط اجتماعی طرد خواهد شد. جامعه‌شناسان در تعریف جامعه‌پذیری (تربیت اجتماعی) آن را فراگردی دانسته‌اند «که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه خود را

یاد می‌گیرند، شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند» (کوئن، ۱۳۷۰، ۷۴). به عبارت رساتر، تربیت اجتماعی به پرورش جنبه‌هایی از شخصیت انسان اشاره دارد که به زندگی و تعامل فرد در میان جامعه مربوط بوده و زمینه فهم بیشتر محیط پیرامون را فراهم می‌سازد. تربیت اجتماعی باعث کسب مهارت‌های ضروری در رابطه با زندگی اجتماعی و نحوه انجام مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ۱۱۵). در راستای تربیت اجتماعی و در راستای تحقق جامعه‌پذیری افراد، می‌توان از اصول، تکنیک‌ها و قواعد اجتماعی، روان‌شناختی و اخلاقی بهره جست. به عبارت دیگر در تحقق و ایجاد تربیت اجتماعی، بایدها و نبایدهایی وجود دارد که در فرایند آموزش باید مورد توجه قرار گیرد و عملیاتی شود. برخی از این قواعد و تکنیک‌ها علاوه بر حمایت نظری و علمی آکادمیک، از آموزه‌های اسلامی نیز بهره می‌گیرند و حمایت می‌شوند. در پژوهش حاضر تلاش شده به برخی از این اصول و قواعد که در تحقق تربیت اجتماعی و نهادینه شدن آن تأثیرگذار است، اشاره گردد.

بایدها و نبایدهای تحقق تربیت اجتماعی

به منظور ایجاد و تحقق تربیت اجتماعی باید از اصول و قواعدی بهره برد و به آنها التزام داشت. برخی از این اصول و قواعد عبارتند از:

۱. آگاهی از محتوای تربیت اجتماعی و روش آموزش آن

فهم صحیح از محتوای تربیت اجتماعی، غایات و اهداف آن و همچنین روش‌های انتقال پیام به دیگران، از اصول اساسی در ایجاد و تحقق تربیت اجتماعی است. زیرا پیام‌رسانی به مفهوم رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار (رهبر، ۱۳۷۱، ۸۰). اگر همراه با توان‌مندی لازم نباشد، نه دگرگونی در بینش ایجاد می‌کند و نه تحول در رفتار و چه بسا ممکن است مربی را به خطای شناختی

مبتلا سازد. ارتباط به معنی انتقال یا تبادل اندیشه، عقاید یا نگرش از فردی به فرد دیگر است و در معنای گسترده آن، شامل کلیه مراحل است که به وسیله آنها یک ذهن بر ذهن دیگر اثر می‌گذارد. ارتباطات، به فرایند انتقال و تبادل اطلاعات، معانی، مفاهیم و احساس‌ها در بین افراد جامعه و سازمان، با واسطه یا بی‌واسطه، اطلاق می‌شود (الوانی، ۱۳۸۵، ۱۷۵). لذا اگر چنانچه فرایند ارتباط و تعامل با دیگران به نحو صحیح نباشد، آسیب‌های اساسی به وجود خواهد آمد. خداوند در قرآن کریم این مطلب را درباره پیشوای بزرگ اسلام و پیروان راستین او خاطر نشان ساخته و به وی فرموده است: «ای پیامبر: بگو این است راه من، مردم را به سوی خدا می‌خوانم با بینش و بصیرت و پیروان من نیز دعوت‌شان به سوی خدا آگاهانه و با بصیرت است»^۶ (یوسف/۱۰۸). در آیین مقدس اسلام، سخن گفتن از روی علم و بصیرت و لب فرو بستن از آنچه نمی‌داند یکی از حقوق خداوند بر بندگان است. قرآن کریم می‌فرماید: هرگز از پی آنچه علم و اطمینان نداریم رو و ناآگاه قدم برمذار که گوش و چشم و دل آدمی در پیشگاه الهی مؤاخذ و مسؤول است^۷ (اسراء/۳۶). زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال نمودم: حق خدا بر بندگان چیست؟ در پاسخ فرمود: آن را که می‌دانند بگویند و در چیزی که نمی‌دانند توقف نمایند^۸ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۳/۲۷). امام سجاد علیه السلام فرموده است: مجاز نیستی هر چه را که می‌خواهی بگویی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: مشمول رحمت الهی باد آن کس که سخن خوب بگوید و سود برد یا سکوت کند و سالم بماند^۹ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۳/۷۱). علاوه بر این که می‌باید از خطا و صواب بودن سخن، آگاه بود، می‌باید از روش و کیفیت بیان سخن نیز آگاهی داشت. علی علیه السلام فرموده است: پرهیز از این که در چیزی سخن بگویی که راه آن را نمی‌دانی و از حقیقتش آگاهی نداری^{۱۰} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۱۰). آگاهی از محتوای پیام و روش انتقال آن، باعث اعتماد به نفس گوینده و اعتماد یادگیرنده می‌گردد. علی علیه السلام می‌فرماید: درباره چیزی که از آن علم و اطلاع

نداری سخن مگوی؛ زیرا باعث متهم شدن می‌شود^{۱۱} (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۵۳۰). اشراف لازم بر اطلاعات شناختی و روش‌های آموزشی، مانع از تحقق اندیشه و روشی غلط در افکار مردم می‌گردد. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: دین خداوند را کسی حفظ می‌کند که به تمام جوانب آن احاطه و آگاهی داشته باشد^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۸۵).

۲. ایجاد انگیزه نسبت به تحقق جامعه‌پذیری

یکی از وظایف مربی، ایجاد انگیزه و علاقه در مربی نسبت به تحقق تربیت اجتماعی است. هر چند در تعریف واژه «انگیزه» و «انگیزش» همانند بسیاری از واژگان علمی اتفاق نظری وجود ندارد، اما همه روان‌شناسان و مربیان تربیتی در این نکته توافق دارند که انگیزه عامل درونی تحقق رفتار است و این عامل، رفتار شخص را برمی‌انگیزد، جهت می‌دهد و آن را با شرایط فیزیکی و طبیعی هماهنگ می‌سازد. برخورداری از انگیزه کافی از عوامل اساسی در نیل به هدف و تلاش در راستای رسیدن به آن است (راینرز^{۱۳}، ۲۰۱۵، ج ۱، ۲۰۱ و ۲۰۲). تعاریف مختلفی درباره انگیزه^{۱۴} و انگیزش^{۱۵} بیان شده است. برخی انگیزش را به نیروی ایجاد کننده، نگه‌دارنده و هدایت‌کننده رفتار، تعریف کرده‌اند. برخی نیز بر این باورند که می‌توان انگیزه را به صورت نیاز یا خواست ویژه‌ای که انگیزش را موجب می‌شود تعریف کرد. عده‌ای بر این نکته تأکید دارند که انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند، ولی با این حال می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورده به عنوان مثال وقتی که می‌پرسیم چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می‌دهد، به دنبال انگیزه او هستیم (سیف، ۱۳۹۳). انگیزه، همان چراهای رفتار است که سبب آغاز و ادامه فعالیت‌ها بوده و جهت کلی رفتار هر فرد را معین می‌سازد (راینرز، ۱۳۸۵، ۱۸). به عبارتی دیگر، انگیزه نیرویی است درونی که بر اثر نیاز و کمبود در زندگی افراد به وجود

می‌آید و آنها را به حرکت وامی‌دارد تا آن نیاز و کمبود را تأمین کنند. در تعریف دیگر انگیزه عبارت است از: عامل و نیروی درونی که رفتار فرد را موجب می‌شود و در جهت معین سوق می‌دهد و او را آشکارا به فعالیت خاصی وادار می‌سازد (شجاعی، ۱۳۸۵، ۵۹). انگیزش، اسم مصدر انگیزیدن است و در لغت، به معنای تحریک و ترغیب و هیجان آمده است (معین، ۱۳۶۲، ۱۶۸). انگیزش وضعیت درونی فرد است که محرک، جهت‌دهنده و عامل رفتار او است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶، ۱۱۷)، یا نیرویی است که به رفتار نیرو می‌دهد و آن را هدایت می‌کند (کریمی، ۱۳۸۴، ۱۸). انگیزش عبارت است از: مجموعه‌ای از نیروها که موجب می‌شود اشخاص به شکل‌های مختلف رفتار نمایند (گریفین و مورهد، ۱۳۸۳، ۱۳۴). براساس تعریف دقیق‌تر و جامع‌تر، می‌توان انگیزش را فرایندی دانست که شدت، راستا و ثبات فرد در تلاش برای دست‌یابی به یک هدف را مشخص می‌کند. سه عنصر کلیدی در تعریف انگیزش، شدت، راستا و ثبات است. شدت^{۱۶}، به میزان تلاش فرد اشاره دارد. این همان عاملی است که هنگام صحبت کردن در مورد انگیزه، بیشتر به آن اشاره می‌شود. البته شدت تلاش تا زمانی که راستای^{۱۷} آن درست نباشد باعث افزایش کارایی و موفقیت نمی‌شود. به بیان دیگر باید علاوه بر شدت تلاش، کیفیت آن را هم مد نظر داشته باشیم. تلاشی که با اهداف مربی و مربی هم راستا بوده با آن سازگار باشد. مورد آخر این که انگیزه، دارای بعد ثبات^{۱۸}، نیز هست. این بعد نشان می‌دهد که فرد تا چه حد در تلاش خود ثبات دارد. افراد با انگیزه آنقدر به تلاش خود ادامه می‌دهند تا به هدفی که دارند برسند (رابینز، ۲۰۱۵، ج ۱، ۲۰۴). رویکرد رفتاری^{۱۹} نگر، انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌دانند. این برداشت از انگیزش بر اندیشه اصلی رفتارگرایان استوار است که می‌گویند پیامدهای اعمال و رفتارها، هدایت‌کننده و کنترل‌کننده آنها هستند. در رویکرد رفتاری انگیزش، انگیزانه‌ها (مشوق‌ها)^{۲۰} منبع انگیزشی متریبان به حساب می‌آیند. انگیزانه‌ها یک شیء یا رویداد [محرک] است

که رفتار را برمی‌انگیزاند یا بازمی‌دارد. در رویکرد شناختی^{۲۱} انگیزش، باور بر این است که اندیشه‌های فرد سرچشمه انگیزش او هستند. همچنین، شناخت‌گرایی معتقدند که رفتارها توسط هدف‌ها، نقشه‌ها، انتظارات و نسبت‌دادن‌های فرد ایجاد و هدایت می‌شوند، و لذا انگیزش درونی^{۲۲} بیشتر از انگیزش بیرونی^{۲۳} مورد تأکید آنان است. در رویکرد انسان‌گرایی^{۲۴} نیز به جای تأکید بر تقویت و تنبیه به عنوان منبع اصلی انگیزش به توانایی دانش‌آموزان و متریان برای رشد شخصی، آزادی انتخاب هدف‌های زندگی، و ویژگی‌های مثبت (مانند حساس بودن نسبت به دیگران) تأکید می‌شود. بنابراین، از دیدگاه روان‌شناسان انسان‌گرا، برای ایجاد انگیزش باید احساس شایستگی، خودمختاری و عزت نفس را در افراد افزایش داد (سیف، ۱۳۹۳). یکی دیگر از رویکردهای انگیزشی رویکرد اجتماعی-فرهنگی^{۲۵} است. بنا به این رویکرد، منبع انگیزشی مهم برای بعضی افراد، بودن با دیگران و داشتن رابطه‌ی دوستانه‌ی متقابل با آنان است. بنابه گفته‌ی وولفلک مردم در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند تا هویت خود و روابط با دیگران را حفظ نمایند. بنابراین، اگر دانش‌آموزان عضو کلاس درس یا آموزشگاهی باشند که برای یادگیری ارزش قائل می‌شود انگیزش آنان برای یادگیری بالا خواهد بود (رابینز، ۲۰۱۵، ج ۱، ۲۰۴-۲۴۰). برای تقویت انگیزه‌ی متریان در راستای تحقق تربیت اجتماعی می‌توان از بهبود شرایط یادگیری و افزایش کیفیت روش‌های آموزش (سیف، ۱۳۹۳)، اصلاح باورهای متربی نسبت به ارزش تربیت اجتماعی (لندی، ۱۹۸۷، ۲۸)، تقویت پاداش‌های مادی و معنوی (رابینز، ۲۰۱۵، ج ۱، ۲۰۷-۲-۵۰)، مشخص نمودن اهداف در تربیت اجتماعی، ایجاد انتظارات مثبت در متریان، بهره‌گیری از مشوق‌های کلامی (سیف، ۱۳۹۳) و تقویت باورهای شناختی و معرفتی، از راه کارهای تقویت انگیزه در متریان است. همچنین رعایت توان‌مندی فردی و ظرفیت‌های شناختی افراد، ارائه‌ی مطالب و مفاهیم از ساده به دشوار، ایجاد رقابت سالم بین متریان، بهره‌گیری از مثال‌های ملموس و کاربردی و شرکت دادن متریان در فعالیت‌ها و

بحث‌های گروهی، از دیگر عوامل ایجاد انگیزه برای تحقق تربیت اجتماعی است (سیف، ۱۳۹۳؛ ترنر، ۱۳۷۲ و شعاری نژاد، ۱۳۶۴). در آموزه‌های دینی نیز در راستای ایجاد انگیزه از راه کارهای بهره برده شده است. در یک استقصای کلی می‌توان این روش‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. روش‌های شناختی همچون دادن بینش درباره جهان هستی و خود انسان در ابعاد گوناگون جسمی و روحی و مانند این‌ها؛ این روش‌ها، ضمن دادن شناخت و بصیرت به آدمیان درباره هستی و انسان، می‌کوشند در انسان انگیزه ایجاد کنند؛
۲. روش‌های رفتاری که مربوط به فعل و عملکرد افرادند و انگیزه تکرار و اصلاح رفتار را در آنان تقویت می‌کنند. در این زمینه روش‌های فراوانی در قرآن وجود دارند و هر یک به تفصیل در خور بررسی است، ولی برای رعایت اختصار، در این نوشتار به یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، یعنی روش تشویق اشاره می‌شود.

نمودهای تشویق در متون دینی

در متون دینی نمودها و مصادیق فراوانی برای ایجاد انگیزه با ابزار تشویق وجود دارد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

الف - تشویق به رفتار خاص با وعده پاداش معنوی و مادی

همه انسان‌ها در مقابل گفتار و رفتار خود انتظار پاداش و ثواب دارند. لذا در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام از پاداش‌های مختلفی سخن به میان آمد که بر عمل نیک مترتب می‌شود. هر که برای متاع دنیا بکوشد بهره‌مندش کنیم و هر که ثواب آخرت خواهد از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم (آل عمران/۱۴۵). هر که ثواب و نعمت دنیا را طالب است [از خدا بخواهد] که ثواب دنیا و آخرت هر دو نزد خداست و خدا [به دعای خلق] شنوا و [به احوال‌شان] بینا است (نساء/۱۳۵). به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و

بشارت باد بر شما به آن بهشتی که وعده داده شده می‌شدید (فصلت/۳۰). خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان [نصیب آنان ساخته] و [خشنودی و] رضای خدا، [از همه این‌ها] برتر است و پیروزی بزرگ، همین است (توبه/۷۲).

ب - تشویق به اجتناب از رفتار خاص با وعده پاداش معنوی و مادی
قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را از خطرها و عذاب‌هایی که در صورت سرپیچی از فرمان خداوند متعال دامن‌گیر آنها خواهد شد بر حذر می‌دارد: به آنان که کافر شدند بگو به زودی مغلوب شوید و به سوی جهنم محشور گردید که بسیار بد جایگاهی است (آل عمران/۱۲). عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است (بقره/۲۱۱). خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده است. جاودانه در آن خواهند ماند [همان برای آنان کافی است] و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته و عذاب همیشگی برای آنهاست (توبه/۶۸). بیان این نوع عذاب‌ها و عقاب‌ها که جنبه ترس و تهدید دارند، در رفتار انسان مؤثرند؛ زیرا همان گونه که بیان پاداش در انسان برای رسیدن به آن ایجاد انگیزه می‌کند، وعده به عقاب نیز انگیزه ترک کارهای حرام را برای انسان پدید می‌آورد تا به عذاب اخروی گرفتار نشود. به تصویر کشاندن کیفی که در انتظار کافران و منافقان است، می‌تواند بر رفتار انسان‌های دیگر اثر بگذارد و باعث تنبیه و بیدارسازی آنها شود و سوق دهنده به سوی کارهای نیک باشد.

ج - تشویق در راستای ایجاد انگیزه

قرآن کریم از روش تشویق برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازدارداری از رفتار ناپسند، به صورت گسترده استفاده کرده است. تشویق‌های قرآن گسترده و وسیعی دارند؛ هم به لحاظ افرادی که تشویق شده‌اند، هم از نظر پاداش‌ها و هم به لحاظ مجریان این تشویق‌ها. تمام آیاتی که از بهشت و نعمت‌های مادی و معنوی

سخن گفته، شاهدی بر این مدعاست. خداوند به پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمان می‌دهد که مؤمنان را به نبرد تشویق کند و از پایداری آنان، در قالب سنت الهی نصرت، قدردانی می‌نماید:

ای پیامبر، مؤمنان را بر جهاد تشویق کن که اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند [که در جنگ پایداری کنند] بر دویست تن [از کافران] چیره شوند؛ و اگر از شما صد تن باشند، بر هزار تن از آنها که کافر شدند چیره شوند، زیرا که آنها گروهی ناهم و نادانند [ایمان و انگیزه‌ای ندارند و از این رو در کارزار، شکیبایی و پایداری نمی‌کنند] (انفال/۶۵). از اموال آنان صدقه‌ای [زکات] بگیر که بدان وسیله پاکشان سازی و آنان را برکت و فزونی بخشی [= اموال یا حسناتشان را نشو و نما دهی] و ایشان را دعا کن که دعای تو آرامشی است برای آنان، و خدا شنوا و داناست. (توبه/۱۰۳). در این آیات از روش تشویق در ایجاد انگیزه بهره برده شده است. حضرت علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویق‌شان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را [به کوشش و حرکت بیشتر] برانگیزاند و از کار مانده را به خواست خدای [به کار و تلاش] ترغیب نماید. پس رنج و کار هر یک از آنان را برای خودش بدان و رنج و زحمت کسی را به دیگری نسبت مده؛ و باید در پاداش دادن به او هنگام به سر رساندن کارش کوتاهی ننمایی، و باید بزرگی کسی تو را بر آن ندارد که رنج و کار کوچک او را بزرگ شماری، و پستی کسی تو را وادار نسازد که رنج و کار بزرگش را کوچک پنداری (نهج البلاغه، نامه ۵۳). تشویق و قدردانی، در روح آدمی اثر مثبت می‌گذارد و او را به انجام دادن عمل نیک ترغیب می‌کند؛ به او نیرو و قدرت می‌بخشد تا بیشتر بکوشد؛ چون انسان دارای حب ذات است، تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک او می‌شود، و حس خود پسندی و حب ذات انسان را اقناع می‌کند و موجب قوت قلب و نشاط او می‌گردد. همچنین موجب رضایت فرد از عملکرد

خود و رفع ملالت و کسالت او و سبب ایجاد حس اعتماد و توانمندی افراد می‌شود. به عبارت دیگر طبیعت و سرشت انسان از نظر روانی به گونه‌ای آفریده شده که در مقابل تشویق واکنش مثبت نشان می‌دهد. البته ممکن است نوع و مصداق پاداشی که در افراد مختلف اثر می‌گذارد و آنها را به تلاش و حرکت بر می‌انگیزد و به عبارتی ایجاد انگیزه می‌کند، تفاوت داشته باشد، ولی همه آنها در این حقیقت مشترک‌اند که در مقابل پاداش نفوذ پذیرند و تحریک می‌گردند. البته در استفاده از تشویق می‌باید نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

- تشویق باید بجا و با میزان و نوع عمل متناسب باشد و روحیهٔ شخص در انتخاب شکل آن - تشویق کلامی، یا غیر کلامی، مادی یا معنوی - ملاحظه شود.
- استفاده از تشویق دارای حدود معین است. نه آن قدر تشویق که اثر آن خنثی شود و نه به قدری محدود که آفت شود و نقش بازدارنده داشته باشد.
- تشویق وسیلهٔ برانگیختن است و نباید خود به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر شخص را به خود مشغول کند که در این صورت نقش بازدارنده می‌یابد و موجب فراموشی هدف اصلی می‌شود.
- به هنگام تشویق باید علت آن برای شخص روشن باشد و این کار باید به گونه‌ای صورت گیرد که شخص خود را مستحق آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد.

- تشویق باید به موقع انجام گیرد تا تأثیر مشخص و کارا و مثبتی داشته باشد. لذا بلافاصله بودن آن مفیدتر است (سیف، ۱۳۹۳).

- از جمله اساسی‌ترین نکاتی که در تشویق باید به آن توجه کرد، رعایت اعتدال و تشخیص موارد اعمال آن است. علی‌علیه در سخنی حکمت‌آمیز می‌فرماید: ستایش بیش از اندازهٔ استحقاق، چالوسی است و کم‌تر از مقدار شایستگی فرد، عجز ناتوانی یا حسد است^{۲۶} (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ۵۳۵).

۳. ملاحظه تفاوت‌های فردی و جنسیتی

از آنجا که افراد از لحاظ بهره هوشی، خلق و خو، توان‌مندی معرفتی، ویژگی‌های شخصیتی و... با یکدیگر تفاوت دارند، افراد باید نسبت به این تفاوت‌ها حساس باشند (شعبانی، ۱۳۷۱، ۱۳۹). انسان‌ها در یک ویژگی عمده مشترکند: «هیچ یک همانند دیگری نیست و هر کس از خصوصیات درونی و بیرونی منحصر به فرد برخوردار است». با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، ضرورت دارد فعالیت اجتماعی و ارتباطی و تعاملات فرهنگی به مقتضای سطح ادراکی و عاطفی افراد و در چارچوب علایق و نیازهای حقیقی و ملاحظه‌توانایی‌ها و محدودیت‌های افراد صورت بگیرد (احمدی، ۱۳۸۰). در آموزه‌های دینی ضمن توصیه و تأکید بر این نکته که باید متناسب با توان‌مندی افراد و ظرفیت‌های شناختی و ادراکی مرتبی سخن گفت^{۲۷} (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۱/۳)، مخاطبان را به دسته‌های مختلف تقسیم نموده و کیفیت ارتباط با هر یک را تبیین نموده است. از یکی از معصومان علیهم‌السلام نقل شده که مردم بر چهار دسته‌اند: شخصی می‌داند و می‌داند که می‌داند؛ این شخص عالم است پس از او پیروی کنید؛ و شخصی می‌داند ولی نمی‌داند که می‌داند، این شخص غافل است پس بیدارش کنید؛ و شخصی نمی‌داند و می‌داند که نمی‌داند پس او جاهل است به او دانش بیاموزید. آخرین گروه کسانی هستند که نمی‌دانند و خیال می‌کنند که می‌دانند، این افراد گمراه هستند پس آنان را راهنمایی کنید^{۲۸} (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۹۵).

همچنین به دلیل تفاوت شناختی (عقلی)، عاطفی، هوشی و...، که بین زن و مرد وجود دارد در تربیت اجتماعی باید به این تفاوت‌ها توجه داشت. وجود تفاوت در ناحیه عقل ابزاری زن و مرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۲۱) [غلبه احساسات بر عقل در زنان (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۸۷ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۷۵ و ج ۴، ۳۴۳) و تفاوت در سایر ویژگی‌های شناختی زن و مرد، اهمیت توجه به این تفاوت‌ها را در تربیت اجتماعی آنان، دو چندان می‌کند. زنان با مردان در عواطف و احساسات تفاوت‌های آشکاری دارند. عواطف زنانه سبب

می‌شود که آنان بهتر و سریع‌تر بتوانند تغییرات احساسی و عاطفی دیگران را حس نمایند و آسان‌تر افکار و احساسات خود را با دیگران سازگار، نمایند (بارون، ۱۳۸۴، ۶۴-۷۰). در تحقیقی که در این زمینه انجام شد، مشخص گردید که زنان نیاز بیشتری به محبت و عواطف نشان می‌دهند و در ابراز محبت و عواطف نیز، قوی‌تر از مردان هستند (فلیپ رایس^{۲۹}، ۱۳۸۷، ۲۱۴). پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که دوستی و صمیمیت برای دختران بیش از پسران اهمیت دارد (بلیث^{۳۰} و فستر - کلارک^{۳۱}، ۱۹۸۷) و این نشانه قوی بودن عواطف و احساسات در زنان است. نمایش عاطفه در زن قوی‌تر است. زنان به ابراز حالت عاطفی به شدت توجه دارند، به گفت و گو نیازمند هستند؛ چون زبان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال عواطف است. این مسأله به قدری مهم است که بعضی گفته‌اند: زن فقط به گفت و گو نیاز دارد و به نتیجه نمی‌اندیشد، در حالی که مرد توقع دارد گفت و گو مشکلی را حل کند (گری، ۱۳۸۱، ۲۴). گروسمن و وود^{۳۲} (۲۰۰۳) بر این باورند که به طور کلی بین زن و مرد در هیجانات مثبت و منفی فرقی نیست، اما شدت ابراز هیجان در آنها متفاوت است و در زنان قوت بیشتری دارد. در آموزه‌های دینی نیز روایاتی دال بر عاطفی بودن زن وجود دارد. همچنین اندیشمندان اسلامی نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بر این باورند که احساسات و عواطف در زنان قوی‌تر است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «چه خوب‌اند فرزندان دختر. اهل ملاحظت (عواطف)، کمک‌کننده و یاری‌دهنده، انس‌گیرنده، باخیر و بابرکت و اهل پاکیزگی»^{۳۳} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ۳۶۲). شاید یکی از علل آرامش‌گری زن (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۹۴)، بروز و ظهور عواطف قوی در او هست که در قرآن کریم زن را عامل آرامش‌گری معرفی نموده است (اعراف/۱۸۹). حضرت علی علیه السلام به طور ضمنی به عاطفی بودن و ظرافت زن اشاره فرموده و افراد را از واگذاری مسؤولیت سنگین و خشن به زنان بر حذر داشته است^{۳۴} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۵۱۰). براساس تحقیقی که در آمریکا انجام گرفت مشخص گردید

که زنان در توانایی کلامی برتری دارند و مردان در مهارت‌های قضایی و ریاضی (دی. اف. هالپرن^{۳۵}، ۲۰۰۰، به نقل از ماتلین، ۲۰۰۸، ۱۵۳). زنان ترجیح می‌دهند با آنان به نرمی و آرامش صحبت شود و از گفتگوی سریع لذت نمی‌برند. تحریک‌پذیری عاطفی و جنسی نیز در زنان متفاوت از مردان است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ۱۱۹-۱۱۷ و کرینگ^{۳۶} و همکاران، ۱۳۸۸، ۵۲۸). لذا توجه به تفاوت‌های فردی و جنسیتی به عنوان یک قانون روان‌شناختی، باید در بحث تربیت اجتماعی ملاحظه شود. نکته مهم‌تر این که مصادیق تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری نیز در رابطه با دختر و پسر متفاوت خواهد بود.

۴. بهره‌گیری شایسته از روش یادگیری مشاهده‌ای^{۳۷}

یکی از راهبردهای تأثیرگذار در مربی‌گری بهره‌گیری از یادگیری مشاهده‌ای است. گوینده هر چقدر ملزم به گفته‌های خود باشد، تأثیرگذاری بیشتری در دیگران خواهد داشت. در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی بر این راهبرد تأکید شده است. قرآن کریم ضمن مذمت کسانی که شعارهای‌ها و حرف‌های تهی از عمل دارند^{۳۸} (صف/۳ و بقره/۴۴)، افراد را دعوت به التزام عملی به نیکی و عمل صالح کرده است^{۳۹} (فصلت/۴۱). در احادیث نیز علاوه بر این که توصیه شده مردم را با التزام عملی به نیکی‌ها و اصلاح رفتارها دعوت نماییم^{۴۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۷۸)، بر اولویت داشتن تربیت خویشان مأمور شده‌ایم^{۴۱} (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ۱۰۷). در روان‌شناسی یادگیری یکی از شیوه‌های یادگیری و تأثیرگذاری در مربی، شیوه مشاهده‌ای^{۴۲} و یادگیری اجتماعی^{۴۳} است. آلبرت باندورا و بیوسی^{۴۴} (۲۰۰۴) این روش را مهم‌ترین نوع یادگیری و تأثیرگذاری (به ویژه در کودکان) می‌دانند.

۵. بهره‌گیری از ارتباط کلامی و غیر کلامی

یکی از مؤثرترین ابزارها برای تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد، توانایی ایجاد

رابطه عاطفی و قوی با آنان است. اگر مربی به نیازهای عاطفی متربی توجه جدی داشته باشد و تعامل و ارتباطش با متربی وسیع و گسترده باشد، باعث جذب بیشتر او شده و تأثیر بیشتری بر اندیشه و رفتار او خواهد داشت (ر.ک: شعاری نژاد، ۱۳۸۰ و سیف، ۱۳۸۷). ابعاد روان‌شناختی انسان را می‌توان به بعد شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم کرد. بعد عاطفی و هیجانی به نوبه خود، هم متأثر از بعد شناختی و رفتاری است و هم در آنها تأثیر دارد. به عبارت دیگر، بین این سه حوزه تعامل و ارتباط جدی وجود دارند و مجموع این‌ها حالات روان‌شناختی انسان را تشکیل می‌دهند. چه بسا ممکن است این بخش (عاطفی) از هستی انسان، ملاک‌های حساب‌گرانه عقلی به ویژه عقل‌اِزّاری را به کار نگیرد و به تقاضای عاطفه پاسخ گوید و حتی ممکن است رفتاری انجام دهد که با محاسبات عقلی زیان‌آور انگاشته شود. چه بسا ممکن است بتوان ادعا کرد که در مواردی انسانیت انسان در گرو همین‌گزینش عاطفی و گرایش عاطفی قرار دارد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: دل‌های خود را به نرمی و مهربانی (عاطفه‌داری) عادت دهید^{۴۵} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ۸۱). به کارگیری احساسات مناسب در ارتباط میان فردی نقش اساسی دارد. باید نسبت به احساسات ارسال شده هشیار باشیم، آن را بشناسیم و پاسخ مناسب بدهیم. باید خشم دیگران، اندوه شدید، گریه اشکبار، شادی‌های کنترل‌نشده، ناامیدی و امیدواری دیگران را به رسمیت بشناسیم و به تناسب این عواطف و هیجانات با آنان رابطه برقرار کنیم (پت، ۱۳۷۶، ۷۴). همواره رابطه عاطفی، زمینه‌ساز رابطه رفتاری و سپس فکری و شناختی می‌شود. اگر متربی احساس ارتباط عاطفی با گوینده را نداشته باشد، توجهی به او نمی‌کند، سخن او را نمی‌شنود، نوشته‌اش را نمی‌خواند، نقاشی‌اش را تماشا نمی‌کند و...

اگر خروارها شناخت روی هم متراکم شود، اما عواطف به صورت صحیح شکل نگیرد، هیچ ارزشی ندارد. اگر شناخت به صورت صحیح شکل گرفت، دیگر برای عواطف به صورت مناسب با آن، حد و مرزی که وجود ندارد. خوبی

را باید دوست داشت، تا کجا؟ تا هر جایی که خوبی صدق می‌کند از بدی باید متنفر بود، تا کجا؟ تا جایی که بدی صدق می‌کند. هر قدر این عواطف قوی‌تر باشد، انسان رشد یافته‌تر است. آقای رابرت کوپر، به خلاف بسیاری از روان‌شناسان که هوش‌شناختی^{۴۶} را باعث پیشرفت و تکامل و ارتقاء دانسته‌اند، این دیدگاه را باطل شمرده و ثابت کرده است که این قلب انسان است که او را متحول می‌کند و باعث ارتقاء و پیشرفت می‌شود (پناهی، ۱۳۹۱).

بهره‌گیری صحیح از مهارت کلامی^{۴۷} و غیر کلامی^{۴۸} نیز از ابزارهای مهم در روابط اجتماعی و در راستای تربیت اجتماعی است. ارتباط کلامی نیکو^{۴۹} (نساء/۹)، بهره‌گیری از گفتار زیبا و دل‌نشین^{۵۰} (نساء/۸۷)، گفت و گوی محترمانه^{۵۱} (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۲۳)، مؤدبانه^{۵۲} (تیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۴۵۷)، گفتگوی شیرین و گوارا^{۵۳} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ۱۸۶) و گفت و گو با آهنگ صدای ملایم^{۵۴} (لقمان/۱۹)، از مصادیق و نموده‌های اساسی ارتباط کلامی صحیح است. صدا زدن همدیگر با زیباترین نام^{۵۵} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۶۴۳) و توصیه به پرهیز از کلمات رکیک و زشت^{۵۶} (مؤمنون/۳)، از دیگر نموده‌های روابط کلامی بوده و در راستای ایجاد محبت، اعتماد متقابل و حرف شنوی از یکدیگر، نقش سازنده دارد. ارتباط کلامی زیبا باعث تحکیم روابط اجتماعی و باعث تقویت دوستی می‌گردد^{۵۷} (فصلت/۳۴). همچنین کنش کلامی پسندیده، مانع از کینه و حسد شده و دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و باعث آرامش می‌گردد. در قرآن کریم به ویژگی‌هایی دیگری همچون حقیقی و واقعی بودن کلمات^{۵۸} (نمل/۲۲)، دل‌پسند بودن^{۵۹} (حج/۲۴)، رسایی^{۶۰} (نساء/۶۳)، نرم بودن^{۶۱} (طه/۴۴) بزرگوارانه بودن^{۶۲} (اسراء/۲۳) و قابل پذیرش و عمل بودن^{۶۳} (اسراء/۲۸)، در راستای ارتباطات اجتماعی و تربیتی تأکید شده است.

در آموزه‌های دینی و تربیتی علاوه بر این که توصیه به روابط کلامی زیبا و محبت‌آمیز شده به روابط غیر کلامی نیز تأکید شده است. گشاده رویی^{۶۴} (آل

عمران/۱۶۰) و رفتار مؤدبانه^{۶۵} (توبه/۶۱). از مصادیق روابط غیر کلامی است که مورد تأکید قرآن است. این نوع ارتباطات، عاملی در تقویت روابط دوستانه و نزدیکی دل‌ها و جذابیت روابط اجتماعی می‌گردد. ثمرهٔ تواضع، گشاده‌رویی و گفتار و رفتار مؤدبانه، دل‌دادگی و محبت است^{۶۶} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۶۴۳). چهرهٔ گشاده و روی باز، باعث جذب دل‌ها و فزونی محبت می‌شود^{۶۷} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۱۰۷ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۵ و ۳۲۷) و اعتماد متقابل ایجاد می‌نماید. آراسته و نظیف بودن در ارتباط میان فردی، یکی از مصادیق مهم روابط غیر کلامی است که آثار بسیار مثبتی در مرتبی دارد. زیرا انسان‌ها به آراستگی ظاهری اهمیت زیادی می‌دهند و همه افراد ذاتاً زیبایی را دوست دارند. مردم وقتی ظاهر آراسته را می‌بینند خود به خود جذب می‌شوند. به شهادت تاریخ یکی از عوامل مهم موفقیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گسترش دین اسلام تمیزی، خوشبویی و آراستگی ظاهر ایشان بوده است. آن بزرگوار هر گاه می‌خواست از خانه خارج شود به عنوان آینه در آب نگاه می‌کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به نظافت لباس، بدن و دندان‌ها توجه زیادی داشتند و خوشبویی حضرت زبان‌زد همهٔ مردم بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله هزینه‌ای که برای عطر می‌کرد بیشتر بود از هزینه‌ای که برای غذا و طعام می‌کرد^{۶۸} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ۲۴۸). ویژگی‌های ظاهری قابل مشاهده براساس نوع عواطفی که برمی‌انگیزد و با توجه به تصورات قالبی، می‌تواند در ما تأثیر مثبت یا منفی به وجود آورد. بررسی فینگلد (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که همهٔ افراد به زیبایی میل دارند و مردان بیش‌تر از زنان تحت تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند (به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). افراد زیبا عاطفه مثبت را برمی‌انگیزند و می‌دانیم که عاطفه عامل بسیار مهمی در جاذبه است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که افراد تمایل دارند مردان و زنان زیبا را بیش از کسانی که زیبا نیستند، موقر، جالب، اجتماعی، مستقل، متنفذ، مهیج، دوست‌داشتنی، سازش یافته، دارای مهارت اجتماعی و موفق بدانند (دیون^{۶۹}، ۱۹۸۷

به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). به طور کلی، چنان که روان‌شناسان اجتماعی بیش از دو دهه قبل کشف کرده‌اند، مردم تصور می‌کنند که «آنچه زیباست، خوب است» (دیون و دیگران، ۱۹۷۲ به نقل از آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲). نتیجه این که روابط کلامی و غیر کلامی صحیح باعث شکل‌گیری ارتباط سازنده می‌شود و ارتباط سازنده نیز از عوامل مؤثر در انتقال پیام و اهداف آموزشی می‌گردد.

۶. ساده‌گویی، مدارا و رعایت ادب

هر چه اعلان پیام صریح‌تر ساده‌تر و هدف آن مشخص‌تر باشد، درک آن ساده‌تر و توسط جمع بیشتری از متریان رمز‌گشایی خواهد شد. استفاده از عناصر تصویری پیچیده و غیر مرتبط و دنبال نمودن اهداف گوناگون، تفکیک هدف اصلی را با مشکل مواجه نموده و پیام‌گیر را سردرگم می‌کند. چنین راهبردی برای برقراری ارتباط با مخاطبان برخوردار از سطح دانش پایین و یا کودکان نیز مناسب به نظر می‌رسد. اگر کل پیام یا قسمتی از آن برای مخاطب نامفهوم باشد، مکانیزم روانی مخاطب به کل پیام بی‌رغبتی و بیزاری نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۶۸ و جان گلور، ۱۳۷۵).

مدارا به معنای مهربانی کردن، نرمی نمودن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ۱۸۱۲۰) شفقت و ملایمت نشان دادن، درایت و فهم، مماشات و سلوک (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ج ۹، ۲۳۷)، از توصیه‌های اخلاقی و تربیتی اسلام در رابطه با تربیت اجتماعی و اخلاقی متریان است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره ارزش مدارا در برخورد با مردم می‌فرمایند: مدارا با مردم نیمی از ایمان و نرم‌خویی با آنان نیمی از زندگی است^{۷۰} (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۲۰۱). حضرت ﷺ همچنین در حدیث دیگری فرمودند: سه چیز است که اگر در کسی نباشد کار او کامل نیست: تقوایی که او را از معصیت خدا باز دارد، حالتی که به وسیله آن با مردم مدارا کند و بردباری که به وسیله آن نادانی نادان را برطرف سازد^{۷۱} (همان، ج ۱۲، ۲۰۰). امام

باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: در مناجات میان خدا و موسی علیه السلام در تورات چنین آمده است: ای موسی، مسائل سری را در درون وجود خود حفظ کن و در ظاهر با دشمنان من و دشمنان خودت از میان مردم، مدارا کن ^{۷۲} (همان). حضرت علی علیه السلام در رابطه با مدارای با زن می‌فرمایند: همیشه و در همه حال با همسرت (زنت) مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما تا زندگیت باصفا و فرح‌زا گردد ^{۷۳} (همان، ج ۲۰، ۱۶۹). پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خدای من مرا به مدارای با مردم فرمان داد، همان‌گونه که مرا به انجام واجبات دستور داد ^{۷۴} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۱۱۷). مدارا فواید زیادی در زندگی فردی و اجتماعی در پی دارد. برکت ^{۷۵} (همان، ۱۱۹)، آسایش ^{۷۶} (همان، ۱۲۰)، امنیت ^{۷۷} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۲۴)، عامل محبت ^{۷۸} (همان)، تسهیل‌کننده مشکلات ^{۷۹} (همان)، ابزار موفقیت و پایداری ^{۸۰} (همان) و موفقیت در اهداف تربیتی از آن جمله است.

رعایت ادب و تکریم شخصیت متربی از دیگر ابزارهای تحقق اهداف تربیت اجتماعی است. با نگاه تربیتی و روان‌شناسانه می‌توان گفت که ادب باعث ارزش‌مندی و جذابیت، روابط سالم و پایدار، مورد تکریم و تشویق قرار گرفتن و غیره می‌شود و همه این‌ها عاملی برای عزت نفس و احساس عزت و رضایت درونی می‌گردد. اخلاق خوب، خوش رفتاری، حسن ظن، نیت پاک داشتن، خوش‌رویی و تواضع، وفاداری و خیرخواهی، همگی از مصادیق و نمودهای ادب است که باعث جلب محبت و دوستی می‌گردد (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ۲۶۴). برخوردار از ادب باعث حس ارزش‌مندی و کرامت می‌شود و نیاز به کرامت و محترم بودن از نیازهای اساسی و عالی در انسان است. آبراهام مزلو (۱۹۷۰) یکی از روان‌شناسان غربی، نیاز به احترام را از نیازهای اساسی شمرده و می‌گوید: ارضای نیاز به احترام و محبوبیت، به احساسات مثبتی از قبیل اعتماد به نفس، ارزش‌مندی، قدرت، لیاقت و شایستگی، مفید و پرثمر بودن، منجر خواهد شد. بزرگی و کرامتی که در سایه رعایت ادب حاصل می‌شود، علاوه بر آثار مثبت اجتماعی و

فرهنگی بسیار، مانع انسان از تمایل به گناه و ارتکاب کارهای پست، و باعث جلوگیری از تنزل شخصیت افراد می‌شود؛ چه این که کسی که به کرامت و عزت نفس رسیده است، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود این اعتبار و جایگاه را با انجام کارهای پست و بی‌ارزش ضایع کند. «عزت نفس، ما را از دست زدن به امور نامطلوب بازمی‌دارد، ماهیت بازدارندگی دارد؛ همان‌طور که اعتماد به نفس، ما را به کارهای مطلوب و بزرگ، و رو به رو شدن با مشکلات برمی‌انگیزاند و ماهیت ایجابی دارد. اگر بخواهیم متریان در مواجهه با ناهمواری‌های زندگی، اعتماد به نفس خود را از دست ندهند و الگوهای ارائه شده از ناحیهٔ مربی را قبول نمایند، باید پایه‌های عزت نفس آنان را از کودکی محکم کنیم» (استنهاوس، ۱۳۷۹، ۱۲). حضرت علی علیه السلام در تأیید ادعای فوق فرموده‌اند: آنان که کرامت نفس دارند، هرگز با ارتکاب گناه آن را پست و موهون نمی‌کنند^{۸۱} (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ۳۳۹). و در روایتی دیگر فرمودند: به خیر کسی که برای خود عزت و کرامتی قائل نیست، امیدوار نباش (خوانساری، شرح غرر و درر، ۱۳۷۳، ۳۹۴). رعایت ادب و حفظ عزت نفس مربی باعث می‌شود که به مربی ارادت و اعتماد داشته باشد و ویژگی‌های شخصیتی او را برای خویشن الگو قرار دهد.

نتیجه‌گیری

از تتبع و دقت آموزه‌های دینی، تربیتی و روان‌شناختی این نتیجه حاصل شد که در راستای تحقق تربیت اجتماعی باید به نکات زیر توجه داشت:

مربی بایستی اطلاع کافی از محتوای پیام و به خصوص محتوای تربیت اجتماعی و مصادیق آن، داشته باشد؛

مربیان باید با روش‌ها انتقال پیام به دیگران و فرایند آموزش، آشنا باشند؛

ایجاد انگیزه و رغبت در مربی نسبت به تحقق جامعه‌پذیری، از عوامل مؤثر در

تحقق تربیت دینی است؛

توجه جدی به تفاوت‌های فردی و جنسیتی در فرایند آموزش تربیت اجتماعی،

از نکات ضروری می باشد؛

بهره گیری صحیح از روش یادگیری مشاهده ای، ضرورتی اجتناب ناپذیر

﴿۱۷۷﴾

می باشد؛

مربیان باید از ارتباط کلامی، غیر کلامی، ساده گویی و مدارا با متربی، نهایت

دقت و بهره وری را داشته باشند.

پی نوشتها

1. Feist, Jess

2. Bishop

3. Inderbitzen

4. Fredrickson

۵. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

۶. ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾

۷. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

۸. «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ؟ قَالَ: انِّي قَوْلُوا مَا يَعْلَمُونَ وَ يَقِفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ».

۹. «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا شِئْتَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ خَيْرًا فَعَنِمَ أَوْ صَمَتَ فَسَلِمَ».

۱۰. «إِيَّاكَ وَالْكَلامَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ طَرِيقَتَهُ وَلَا تَعْلَمُ حَقِيقَتَهُ».

۱۱. «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ فَتُنْتَهَمَ فِي إِخْبَارِكَ بِمَا تَعْلَمُ».

۱۲. «إِنَّمَا الْمُسْتَحْفَظُونَ لِذِي اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ أَقَامُوا الدِّينَ وَ نَصَرُوهُ وَ حَاطُوهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ».

13. Robbins

14. motive

15. Motivation

16. Intensity

17. direction

18. persistence

19. behavioristic approach

20. incentives

21. cognitive approach

22. intrinsic motivation

23. extrinsic motivation
24. humanistic approach
25. sociocultural approach

٢٦. «التَّائِبُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْاسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْاسْتِحْقَاقِ عَيٌّْ أَوْ حَسَدٌ».

٢٧. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ كَلِمَ النَّاسِ بِمَا يَعْرِفُونَ».

٢٨. «رَوَى عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ (عليه السلام) أَنَّ النَّاسَ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ مُرْشِدٌ عَالِمٌ فَاتَّبَعُوهُ وَرَجُلٌ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ غَافِلٌ فَأَيُّقُظُهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَاكَ جَاهِلٌ فَعَلَّمُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ ضَالٌّ فَأَرْشِدُوهُ».

29. Philip Rice
30. Blyth
31. Foster-Clark
32. Grossman & Wood

٣٣. «نِعَمَ الْوَالِدُ الْبِنَاتِ، مَلَطَفَاتٍ مَوْنَسَاتٍ مَجْهَزَاتٍ مَبَارَكَاتٍ مَفْلِيَاتٍ».

٣٤. «فِي رِسَالَتِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِلَى الْحَسَنِ (عليه السلام): لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا، وَأَرْخَى لِبَالِهَا، وَأَذْوَمَ لِجَمَالِهَا؛ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ، وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٌ».

35. D.F. Halpern
36. Kryng
37. Observational Learning.

٣٨. «لِمَ تَقْلُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ».

٣٩. «وَمَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا».

٤٠. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ؛ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ».

٤١. «قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ».

42. Observational Learning.
43. Social Learning.
44. Bandura, A., & Bussey

٤٥. «عَوِّدُوا قُلُوبَكُمْ الرِّقَّةَ».

46. IQ (Intelligence Quotient).
47. verbal communication
48. nonverbal communication

٤٩. «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا».

۵۰. «وَ إِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا».

۵۱. «ثَلَاثَةٌ يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَىٰ إِصَابَةِ الرَّأْيِ حُسْنُ اللَّقَاءِ وَ حُسْنُ الاسْتِمَاعِ وَ حُسْنُ الْجَوَابِ».

۵۲. «عَوْدٌ لِسَانَكَ حُسْنُ الْكَلَامِ تَأْمَنُ الْمَلَامَ».

۵۳. «امام سجاد علیه السلام فرمودند: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُبْرِئُ الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْأَجَلِ وَ يُحِبُّ إِلَى الْأَهْلِ وَ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ». گفتار نیک و شیرین گفتاری، مال را زیاد می کند، روزی را رشد می دهد، مرگ را به تأخیر می اندازد، فرد را نزد خانواده محبوب می نماید و داخل بهشت می شود (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ۳۱۷ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ۱۸۶).

۵۴. «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ؛ صِدَايَتِ رَا بَلَنْد نَكْنِ وَ آرَام كَفْتِ وَ كُو كَنْ، بَه دَرَسْتِي كَه نَاهَنْجَار تَرِين صِدَا، صِدَايِ الْاَغِ اسْت.»

۵۵. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثٌ يُصَفِّينَ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبَشْرِ إِذَا لَقِيَهُ وَ يُوسِعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ إِذَا جَلَسَ إِلَيْهِ وَ يَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ؛ سه چیز باعث دوستی بیشتر و خالص تر می گردد: خوش رویی در برخوردها، جا دادن در مجلس و به زیباترین نام، او را صدا زدن.»

۵۶. «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ کسانی که از حرف های باطل و زشت پرهیز می کنند.»

۵۷. «وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ».

۵۸. «بِنَبَأٍ يَقِين.»

۵۹. الطَّيِّبُ مِنَ الْقَوْلِ.

۶۰. قَوْلًا بَلِيغًا.

۶۱. قَوْلًا لَيِّنًا.

۶۲. قَوْلًا كَرِيمًا.

۶۳. قَوْلًا مَيْسُورًا.

۶۴. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَبِتَ لَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ».

۶۵. «قُلْ أَدْنُ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ».

۶۶. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ثَلَاثٌ يُصَفِّينَ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبَشْرِ إِذَا لَقِيَهُ...» «قَالَ عَلَى علیه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَّاضُعِ الْمَحَبَّةُ».

۶۷. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرْبَعٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذَنْوِبًا بَدَلَ اللَّهِ حَسَنَاتِ الصَّدَقِ وَ الْحَيَاءِ وَ حُسْنِ الْخَلْقِ وَ الشُّكْرِ؛ هر کس دارای چهار ویژگی یعنی راستگویی، حیا،

خوش خلقی و سپاسگزار باشد، خدا گناهانش را تبدیل به نیکی می کند، اگرچه از سر تا پا گناه باشد. «قال علی علیه السلام: أَلْمُودَةُ تُعَاطِفُ الْقُلُوبَ فِي إِتْلَافِ الْأَرْوَاحِ؛ محبت و خوشرویی باعث پیوند دل ها شده و انسان ها را به همدیگر متمایل و علاقه مند می کند. «قال علی علیه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَاضُعِ الْمَحَبَّةُ؛ نتیجه تواضع، محبت و دوستی است. همچنین حضرت فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يُوجِبْنَ الْمَحَبَّةَ الدِّينُ وَ التَّوَاضُعُ وَ السَّخَاءُ (همان)؛ سه چیز باعث محبت و دوستی است؛ دینداری، تواضع و بخشندگی و سخا.

۶۸. «كان رسول الله صلى الله عليه وآله ينفق على الطيب أكثر مما ينفق على الطعام».

69. Dion, K.L.

۷۰. «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ».

۷۱. «ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ: وَرَخٌّ يَحْجِزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ خُلُقٌ يَدَارِي بِهِ النَّاسَ وَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ».

۷۲. «يا موسى، أَكْتُمُ مَكْتُومٌ سِرِّي فِي سَرِيرَتِكَ وَ أَظْهَرِ فِي عِلَانِيَتِكَ الْمُدَارَاةَ عَنِّي لِعُدْوِي وَ عَدُوِّكَ مِنْ خَلْقِي» (همان).

۷۳. «فَدَارَهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيُصْفُو عَيْشَكَ».

۷۴. «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ».

۷۵. «أَنَّ فِي الرِّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَةَ».

۷۶. «الرِّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ».

۷۷. «مَنْ دَارَى النَّاسَ أَمِنَ مَكْرَهُمْ؛ کسی که با مردم مدارا کند از مکر آنان در امان می ماند.

۷۸. «ما استجلب المحبة بمثل السخاء و الرفق و حسن الخلق»؛ چیزی به اندازه سخاوت، مدارا و خوش اخلاقی محبت به وجود نمی آورد. «الرفق يؤدي الى السلم»؛ رفق و مدارا به زندگی مسالمت آمیز منتهی می شود.

۷۹. «الرفق يسير الصعاب و يسهل شديد الاسباب»؛ رفق سختی ها را آسان می کند و اسباب و عوامل دور دست را تسهیل می کند. «کم من صعب تسهل بالرفق»؛ چه بسیار سختی هایی که با رفق و مدارا آسان می شود.

۸۰. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أرفق توفق»؛ مدارا کن، موفق می شوی. آن حضرت علیه السلام در

بیانی دیگر می فرماید: «بالرفق تدرك المقاصد»؛ با رفق و مدارا نتایج کسب می شود.

۸۱. «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ».

منابع و مأخذ

۱. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. احمدی، سید احمد (۱۳۸۰)، *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*، تهران: سمت.
۳. استنهاوس، گلن (۱۳۷۹)، *اعتماد به نفس*، ترجمه ناهید آزادمنش، تهران: کتابهای دانه.
۴. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، تهران: نی.
۵. بارون، ربرت و همکاران (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: روان.
۶. بارون کوهن، سیمون (۱۳۸۴)، *زن چیست؟ مرد کیست؟ تفاوت‌های اساسی زن و مرد*، ترجمه گیسو ناصری، تهران: پل.
۷. پت، پتری (۱۳۷۶)، *شیوه‌های برقراری ارتباط با کودکان و بزرگسالان*، ترجمه جواد شافعی مقدم، تهران: ققنوس.
۸. پناهی، علی احمد (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی و تبلیغات دینی*، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۹. ترنر، رمیچل (۱۳۷۲)، *مردم در سازمان‌ها: زمینه‌های سازمانی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات.
۱۱. ----- (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۲. جان گلاور (۱۳۷۵)، *روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد*، ترجمه علینقی خرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. جوادی آملی (۱۳۸۹)، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم: اسراء.
۱۴. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۷۷)، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم انسانی.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: آل‌البیت (عج).
۱۶. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۶)، *معارف و معاریف*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (عج).
۱۷. خوانساری، آقا جمال‌الدین (۱۳۷۳)، *شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غرر الحکم*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۹. رایینز پی، استیفن (۱۳۸۵)، *مبانی رفتار سازمانی*، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۰. زیبایی‌نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸)، *هویت و نقش‌های جنسیتی*، تهران: مرکز امور زنان ریاست جمهوری.

۲۱. سالاری فر، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۹)، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی پرورشی نوین*، تهران: دوران.
۲۳. ----- (۱۳۶۸)، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: آگاه.
۲۴. ----- (۱۳۹۳)، *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*، چاپ هفتم، تهران: دوران.
۲۵. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵)، *دیدگاه‌های روان‌شناختی مصباح یزدی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم: هجرت.
۲۷. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴)، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: امیر کبیر.
۲۸. ----- (۱۳۸۰)، *نگاهی نو به روش‌شناسی آموختن*، تهران: چاپخش.
۲۹. شعبانی، حسن (۱۳۸۹)، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس*، سمت.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۳۱. فروم، اریک (۱۳۶۰)، *جامعه سالم*، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت.
۳۲. فلیپ رایس، ف. (۱۳۸۷)، *رشد انسان (روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ)*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: ارجمند.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. کریمی، یوسف (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: ارسباران.
۳۵. کرینگ، آن م. و همکاران (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی روانی*، ترجمه حمید شمس‌پور، تهران: ارجمند.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، *الکافی* (ط - دارالحدیث)، ۱۵ جلد، قم: دارالحدیث.
۳۷. کوئن، بروس (۱۳۷۰)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
۳۸. گری، جان (۱۳۸۱)، *زن، مرد، ارتباط*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، مشهد: راهیان سبز.
۳۹. گریفین و مورهد (۱۳۸۳)، *رفتار سازمانی*، ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.
۴۰. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: سمت.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث.
۴۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵)، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، (ج ۱-۵)، قم: مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۴۴. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۷. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.

1. Bandura, A., & Bussey, K. (2004), On broadening the cognitive, motivational, and sociostructural scope of the orizing about gender development and functioning, Psychological Bullttin, 130, 691-701.
2. Blyth, D. A., & Foster-Clark, F, S. (1987), Gender differences in perceived intimacy with different members of adolescents, social networks. Sex Roles, 17, 689-718.
3. Feist, Jess and G. J. Feist. (2006), Theories of personality, Boston: Mc Graw-Hill.
4. Landy, F, J. (1987), psychology of work behavior, Brook/ Colle, publishing Co.
5. Matlin Margaret W.(2008), The Psychology of women, Belmont, CA: Wadsworth/ Thomson Learning.
6. Maslow A. H., (1970), Motivation and Personality, 2nd, Harper and Row, New York.
7. Robbins, Stephe P and Judge, Timothy A. (2015), Organizational behavior, Manufactured in the United States of America.
8. Wood, G. & R. Rentschler (2003), "Ethical Behavior the Means for Creating & Maintaining Better Reputations in Arts Organizational", Management Decision, 41 (6).

method of the research is analytic- descriptive. After recognizing and extracting concepts and documents from the religious, educational, sociological and psychological texts, it has analyzed its content and presented the educational, training and psychological strategies. The results show that the most evidence (parameter) for the educational, social and psychological strategies which can influence on the achievement of this social education and help instructors to achieve this goal is: the knowledge to the content of the social education, knowledge to the approaches to transmit messages, creating motive and desire in the educated to the achievement of socialization, the serious attention to the individual and gender differences in the process of teaching the social education, the correct use from the method of observational learning, wide utilization of verbal and non- verbal communication and simplifying speech and being tolerant to learners.

Keywords: social education, individual differences, psychological capacities, verbal communication, observational learning and motivation

Tawhid and the Day of Judgment) in order to organize the research. The most important outcomes are: 1. from one side, bodily and psychological parameter of women and the collection of rights and duties (related to the role of motherhood), from the other side, indicating the harmony between the existential (takwini) guidance and legislative (tashri'i) guidance and the role of the holy Quran and Ahl al-Bayt in understanding of man to the position and function of the motherhood role. 2. Women according to the divine wisdom are the outward appearance of the continuity and training of human generation and meanwhile, providing women's consent for their motherhood role, their management against internal and external conflicts and acts according to the divine orders and sincerity in practicing them follows the divine consent and fortune in the hereafter.

Keywords: the holy Quran, woman, motherhood, the principles – roots- of Islamic beliefs, culture

Social Education with Impact on Training and Psychological Teachings

□ *Ali Ahmad Panahi*

The aim of this note is to study the effective strategies for achieving and creating social education. The main question is what the educational, social and psychological necessities and prohibitions are for achieving social education of persons. The

effects are a background for committing sin, growing poverty in society, changing values to anti-values, extravagance (waste), disability in doing duties and forgetting God and the day of judgment. At last with studying the impact of simple or minimalist living on strengthening family, it is revealed its effective role and at the end the article presents approaches for creating simple or minimalist living in families.

Keywords: the family strengthening, simple or minimalist Living, husband and wife, the religious teachings

The Religious Themes of the Role of the Women's Motherhood in the Divine Revelational Teachings

□ *Mahyar Khani Moqadam*

The issue of this note is to study the religious themes of the role of women's motherhood in the Islamic revelational culture. This research with descriptive-analytic method tries to present an insight structure which it can reply to some related doubts and it reveals the voidance of some wrongful attitudes. Meanwhile, implying to the most prominent concerns of man's thoughts and the principles of the religious beliefs of the school of Ahl al-Bayt, it has resulted three parameters (indices): guidance (observing Tawhid- Unity of Allah- , Nabuwat or prophecy and the Day of Judgment), hikmat-wisdom- (observing the principles of Tawhid and Justice-Adl) and consent (observing the principles of

Keywords .nature- quiddity, identity crisis, educating children, the religious teachings

Simple or Minimalist Living in the Religious Teachings and Its Role in Strengthening Families

- *Mohammad Najafi*
- *Nafiseh Hashemian*
- *Samaneh Soltani Nejad*
- *Kamal Nosrati*

Family is the best place to provide human needs and it is the best ground (place) to establish psychological security and peace. At the present time, the family system confronts serious challenges that make the family weakness and instability.

Therefore strengthening this holy institution seems more necessary than ever. It is obvious that many factors are affecting to strengthen this institution that one of these factors is simple or minimalist Living. This note with referring to the religious sources and with analytic-documentary method tries to define simple or minimalist Living and some terms and similar words, then it analyzes the importance and philosophy of simple or minimalist Living in Islam and implies to the effects of simple or minimalist Living such as relaxation (peace), success in life, investment, power and liberty. It makes clear that the opposite of simple or minimalist Living is elegance (luxury) which its harmful

quiddity. At last, based on the consequences of the research, it should be mentioned that the solution to confront enemy in the time of soft war is to apply and equipped by modern sciences and technology and equipment and using heroic flexibility to attain the goal.

Keywords: imam Khamenei, representation, the Islamic-Iranian quiddity, soft war, defensive thoughts

The Role of Family in the Individual Formation of Children's Identity with Emphasis on the Religious Teachings

□ *Sohila Pirouzfar*

□ *Ali Asghar Husseini Muhammad Abad*

Self-knowledge and achieving to a true identity causes the knowledge to the real goals in life and knowledge to instruments and the ways to achieve these goals and to overcome obstacles. This note has studied the role of family in children for achieving the true identity. Outcomes indicate that families are able to help children to reach a true identity by selecting good names, believing they are the gift and a trust from God, kindness toward children, respectfulness toward their personality, helping to believe in God, understanding and cooperation, attention to children and their plays, developing children's abilities in a good manner, being a good example, attention to Halāl (lawful) food and legitimacy of children

Representation of the Islamic- Iranian Quiddity in the Defensive thoughts of Imam Khamenei

□ *Ahdieh Asadpour*

□ *Kazem Ahmadi*

The present paper is going to investigate the representation of the Islamic-Iranian quiddity in the thoughts specially the thoughts and defensive attitudes of imam Khamenei with a brief look to his opinions and speeches. This research from the point of aim is investigative and applied, from the view of the level of analysis is descriptive- inferential and it has used the analytic-documentary method to develop study and achieve the regarded goals. The required data has been collected through library-documentary studies and with using note taking tools. Findings (outcomes) show that the supreme leader attaches much importance to the Islamic-Iranian quiddity and he defines components such as spiritual sense, the remembrance of God and reliance on God, avoidance of love of the world and Persian Language and Literature. Also, he has considered the defense of the Islamic-Iranian quiddity should be taken by the officers and armed forces in the time of the soft war and he believes that the independence, people's trust and faith to their quiddity, recognition and deep understanding of the strategies used by aggressive enemy are the necessities of maintaining of the Islamic-Iranian culture and

and etc. in reality, these are the general strategies and the doctrines of the resistance economy which they should take place in the ground (area) of the Islamic system that it is a religious system according to the leadership's belief.

The main question of this research is if the resistance economy as a practical strategy to create wealth can make wealth in the religious area. In other words, this paper is going to determine if the religious teachings are in harmony with the creation of wealth and Economic booms in the social system or there is no harmony between the religious teachings and the creation of wealth and Economic booms. With relying on findings, the present research claims that not only there is harmony between the religious teachings and the creation of wealth and the growth and economic development but also the growth and sustainable development happens in the religious ground that it is a prerequisite for producing wealth. Therefore, the resistance economy in the discourse of the leadership as a paradigm of Islamic economy only in this ground should create wealth which it can fulfil the goals of Islamic government. For proving this claim, the paper with an analytic-descriptive method will have a research in the holy Quran teachings.

Keywords: the holy Quran, resistance economy, creating wealth, the discourse of the leadership